

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا

دکتر سیمین حسینیان^۱، دکتر مه سیمیا پورشهریاری^۱ و فاطمه نصرالله کلانتری^{۱*}

تاریخ دریافت: ۸۶/۱/۱۵ تاریخ تجدید نظر: ۸۶/۶/۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۹/۲۸

چکیده

هدف: این تحقیق با هدف بررسی و مقایسه رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا در مقطع متوسطه شهر تهران، انجام پذیرفته است. **روش:** روش تحقیق توصیفی با تأکید بر همبستگی است و نمونه آماری شامل ۶۹ دانش‌آموز دختر ناشنوا و ۸۲ دانش‌آموز دخترشنوای مقطع متوسطه و مادران هر دو گروه بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه عزت‌نفس کوپراسمیت و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند استفاده شد و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمونهای آماری t استودنت برای گروههای مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت معناداری وجود ندارند ($P < 0/01$) بیشتر مادران هر دو گروه نمونه از شیوه فرزند پروری مقتدرانه بهره می‌گیرند. بین عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت معنادار وجود دارد ($P < 0/01$)، بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران با عزت‌نفس فرزندان در هر دو گروه ناشنوا و شنوا رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** از آنجا که یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین شیوه‌های فرزند پروری و عزت نفس دانش‌آموزان ناشنواست، ارائه آموزشهای لازم به والدین این دانش‌آموزان برای رابطه بهتر و مؤثرتر با آنها، ضرورتی موکد است.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، عزت نفس، ناشنوایی

۱-دانشگاه الزهرا

* نویسنده رابط: تهران - ده ونک - دانشگاه الزهرا ۸۸۰۴۰۵۹۴-۰۲۱ (Email:dehnoo444@yahoo.com)

مقدمه

خانواده، نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و موفقیت هر جامعه را مرهون سلامت و رضایت‌مندی اعضای آن دانسته‌اند و تأثیر هریک از افراد و هریک از روابط مثبت یا منفی آنها از دوام و عمق و شدت زیادی برخوردار است. (گلدبرگ و گلدبرگ، ۲۰۰۰)

نقش ارتباطات درون خانوادگی، ارتباط والدین باهم، والدین-فرزندان و فرزندان با یکدیگر در شکل‌گیری شخصیت افراد، آرامش خاطر، اعتماد به نفس، توان‌سازگاری و نهایتاً بروز رفتارهای مناسب و عدم ابتلا به اختلالات روانی شایان توجه است. (گزارش سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱؛ به نقل از محرابی، ۱۳۸۳)

شیوه‌های فرزندپروری را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها دانست که تعاملات والد-فرزند را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیتها، توصیف می‌کند. (علیزاده و اندرایس، ۲۰۰۲)

بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) که مطالعات طولی برجسته‌ای را با مشاهده تعاملهای والدین با فرزندان خود انجام داد، شیوه‌های فرزندپروری را شامل رفتارهای گوناگون، متنوع، بهنجار و طبیعی می‌داند که والدین به منظور کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان به کار می‌برند. (بامریند، ۱۹۹۱؛ به نقل از دارلینگ، ۱۹۹۹)

وی دریافت که شیوه‌های مختلف فرزندپروری والدین در دو بعد، با یکدیگر تفاوت دارند. بعد اول، توقع^۱ و کنترل و بعد دوم، پذیرندگی^۲ و اجابت‌کنندگی^۳: ترکیب گوناگون دو بعد توقع / کنترل و پذیرندگی / اجابت‌کنندگی چهار شیوه فرزندپروری را به وجود می‌آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آن متمرکز است: مقتدرانه^۴ (دمکراتیک^۵)، مستبدانه^۶، سهل‌گیرانه^۷. چهارمین شیوه یعنی شیوه کناره‌گیر^۸ (مسامحه کار) را محققان دیگری مورد مطالعه قرار داده‌اند. (برک، ۲۰۰۰)

مطالعات بعدی بروفی^۹، (۱۹۸۹)؛ هارت^{۱۰}، دی ولف^{۱۱} و برتز^{۱۲} (۱۹۹۲)؛ فورمن^{۱۳} و کچانسکا^{۱۴} (۲۰۰۱) از یافته‌های بامریند در خصوص تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر رفتار فرزندان حمایت کرد (به نقل از برنز، ۲۰۰۶).

جدول ۱- ابعاد شیوه‌های فرزندپروری دینا بامریند: اقتباس از برنز، ۲۰۰۶

شیوه فرزندپروری	دوران کودکی	دوران نوجوانی
اقتداری (دمکراتیک) «آن کار را انجام بده زیرا ...»	سرزندگی و شادابی، عزت نفس بالا، خودکنترلی بالا، قانع بودن، همکاری	سطوح بالای بلوغ و کفایت اجتماعی و اخلاقی، پیشرفت علمی، خلاقیت، سازگاری، مسئولیت پذیری
مستبدانه (والد محور) «آن کار را انجام بده!»	مضطرب - ناشاد - منزوی و گوشه گیر - ناسازگار - بدگمان - خصومت در صورت ناکامی	سازگاری کمتر با همسالان خود، اعتماد به نفس کم همراه با احساس بی کفایتی و کمروبی، خلاقیت و استقلال کم
سهل‌گیرانه (فرزندمحور) «می‌خواهی آن کار را انجام دهی؟»	تکانشی - نافرمانی و سرکشی - متوقع و وابسته به بزرگسالان - خودکنترلی ضعیف	ضعف در مهار خود و کفایت اجتماعی، عملکرد ضعیف در مدرسه، احتمال بیشتر بزهکاری و مصرف مواد مخدر
مسامحه کار (کناره گیر) «هر کاری می‌خواهی انجام بده»	نقص مهارت‌های عاطفی، اجتماعی، ضعف در تکالیف مدرسه، و پیشرفت تحصیلی ضعیف، پرخاشگری، خودکنترلی و عزت نفس بسیار ضعیف	خودمهارگری و عملکرد مدرسه‌ای و تحصیلی ضعیف، عزت نفس پایین، خصومت و استفاده زیاد از داروهای مخدر.

جدول ۲ - خلاصه‌ای از تأثیرات شیوه‌های مختلف فرزند پروری بامریند، ۱۹۹۱ برگرفته از برنز، ۲۰۰۶

شیوه فرزندپروری مقتدرانه	توقع / کنترل ↑	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↑
شیوه فرزندپروری مستبدانه	توقع / کنترل ↑	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↓
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه	توقع / کنترل ↓	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↑
شیوه فرزندپروری کناره‌گیر	توقع / کنترل ↓	پذیرندگی / اجابت‌کنندگی ↓

همان‌گونه که در جدول ۲ نیز ملاحظه می‌شود بامریند (۱۹۹۱) دریافت که مطلوب‌ترین نتایج تحولی که سبب سازگاربهای مختلف در فرزندان و رشد همه جانبه آنان می‌شود، با شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین در ارتباط است (به نقل از برنز، ۲۰۰۶). یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای یک شخصیت رشد یافته، داشتن عزت نفس است. خصوصاً این نیاز مبرم بشری در دوره نوجوانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا نوجوان دارای سطح بالای عزت نفس، مؤثرتر می‌آموزد، روابط سودمندتری برقرار می‌کند، بهتر می‌تواند از فرصت‌ها استفاده کند و مولد و خودکفا باشد (کلمز و همکاران، ترجمه علیپور، ۱۳۸۳).

به عکس، نوجوانی که عزت نفس کمتری دارد، به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد، خود را ناتوان و بی‌ارزش می‌پندارد، از امکانات و استعدادهای خود ارزیابی

ضعیفی دارد و در امور مختلف زود ناامید می‌شود. (بیابانگرد، ۱۳۸۰)

عزت نفس یا احساس ارزشمند بودن، همان رضایت فرد از خویشتن است. هانتر (۲۰۰۶) از عزت نفس به مثابه دیدگاه فرد نسبت به خود، به جهات جسمانی، روانی و هیجانی یاد می‌کند. فرانکن (۱۹۹۴) عزت نفس را غرور و افتخاری می‌داند که وقتی که فرد به نقایص خویش واقف می‌شود و آنها را می‌پذیرد و سعی می‌کند آنها را رفع کند، به او دست می‌دهد. (به نقل از صدرالسادات، ۱۳۸۰)

عوامل متعددی در شکل‌گیری و رشد عزت نفس دخیل هستند، اما نگرش‌های والدین و شیوه‌های تربیتی آنان در ایجاد حس خود ارزشمندی فرزندان، عامل اولیه و اساسی به شمار می‌رود. (مک آرتور، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقات مختلفی از جمله تحقیقات فلیگر و واسونی (۲۰۰۶)، آنولا (۲۰۰۰)، هرز و همکاران (۱۹۹۹)، به نقل از برجعلی، (۱۳۷۸)، هافمن و شیف (۱۹۹۳) به نقل از آقاجری، (۱۳۷۴) نشان می‌دهد که بین شیوه‌های مختلف فرزندپروری والدین با میزان عزت نفس نوجوانان رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که نوجوانان دارای والدین مقتدر، عزت نفس بالاتری نسبت به نوجوانان دارای والدین مستبد، سهل‌گیر و یا مسامحه‌گر دارند.

همان‌گونه که داشتن عزت نفس قوی در افراد عادی جامعه، بسیار حائز اهمیت است، در افراد استثنایی از جمله گروه ناشنوایان، خصوصاً نوجوانان نه تنها بر پیشرفت تحصیلی و شغلی آنها اثر می‌گذارد، بلکه در برقراری روابط اجتماعی بهتر، سازگاریهای عاطفی بیشتر، مشارکت در امور اجتماعی، احقاق حقوق خود، بهره‌مندی از فرصتهایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، بسیار مؤثر است.

لوئب و ساریجیانی^{۱۵}، ۱۹۸۶، به نقل از اسلام‌دوست، (۱۳۸۳)، کاپلی و همکاران (۱۹۹۵) و پادلاس (۱۹۹۶) در پژوهشهای جداگانه‌ای گزارش کرده‌اند که دانش‌آموزان ناشنوا در مقایسه با دانش‌آموزان شنوا، عزت نفس کمتری دارند. برخی پژوهشهای داخلی نیز از این نتایج حمایت می‌کند.

اما مورس^{۱۶}، ۱۹۹۵، (به نقل از کشاورزی ارشدی، ۱۳۸۴) در پژوهش خود به نتایج متفاوتی دست یافت. او پس از یک بررسی سه ساله بر روی ۹۲۰ دانش‌آموز ناشنوا گزارش کرد که خود پنداره آنها، با اندک تغییری در طبقه‌بندیهای مختلف به خوبی درون دامنه بهنجار خودپنداره قرار می‌گیرد (کشاورزی ارشدی، ۱۳۸۴). مختار بختیار

(۱۳۷۹) نیز در پژوهشی که برای بررسی و مقایسه عزت نفس دختران ناشنوا و شنوا انجام داد، گزارش کرد که بین این دو گروه تفاوتی در میزان عزت نفس وجود ندارد. از آنجا که برقراری ارتباط و ایجاد حس امنیت و پذیرش در ناشنوایان امری دشوار است، به نظر می‌آید که هراسی پنهانی در پژوهشگران برای ورود به این حوزه وجود دارد. با آنکه در نوشته‌های پژوهشی در زمینه مشاوره و راهنمایی برای رفع مشکلات رشدی و رفتاری کودکان راههای بسیاری پیشنهاد شده است، جالب است بدانیم برای مشاوره که می‌خواهد با ناشنوایان یا والدین آنها کار کند، کتابها یا نوشته‌های پژوهشی و نتایج تحقیقاتی چندانی در دسترس نیست. (تامپسون، ترجمه طهوریان، ۱۳۸۴) در این میان سعی محقق بر آن قرار گرفت تا با ورود به این حوزه به شناخت شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا، میزان عزت نفس آنها و رابطه این دو عامل نایل شود و این نتایج را با نتایج حاصل از آزمون دانش‌آموزان شنوا و مادرانشان مقایسه کند تا بتوان از طریق آموزش به والدین ناشنوایان برای به‌کارگیری مؤثرترین و کارآمدترین شیوه پرورش فرزند که سبب افزایش عزت نفس این عزیزان می‌شود، گامی هر چند مقدماتی برای استقلال، اجتماعی شدن و کاهش مشکلات آنان برداشت و با تعمیم نتایج این پژوهش به معلمان و مربیان ناشنوایان، به آنان توصیه کرد که با اتخاذ شیوه‌های مناسب رفتاری در افزایش عزت نفس این گروه که زمینه ساز بهبود بسیاری از مشکلات آنان است، مؤثرتر عمل کنند.

در این تحقیق فرضیه‌های زیر بررسی می‌شوند:

- ۱- بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا و میزان عزت‌نفس فرزندان آنها رابطه وجود دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر، پژوهشی کاربردی است که به روش توصیفی با تاکید بر همبستگی انجام پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را همه دانش‌آموزان دختر ناشنوا و

شنوای مقطع متوسطه شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ در مدارس ویژه ناشنوایان و مدارس عادی مشغول به تحصیل بودند و مادران هر دو گروه از دانش‌آموزان یاد شده تشکیل می‌دادند. نمونه آماری این پژوهش در خصوص دانش‌آموزان دختر ناشنوا و مادران آنها، همان جامعه آماری آنان در نظر گرفته شد و همه دختران ناشنوا و مادران آنها مورد آزمون قرار گرفتند. به خاطر امکان مقایسه بیشتر و بهتر، تعداد نمونه دانش‌آموزان دختر شنوا و مادران آنها نیز به همان تعداد نمونه دانش‌آموزان دختر ناشنوا و مادرانشان انتخاب شد.

طبق آمار اخذ شده از سازمان آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران، تعداد دانش‌آموزان دختر ناشنوای مقطع متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴، ۱۷۹ نفر بود که در چهار مرکز آموزشی ویژه ناشنوایان در مناطق ۲، ۴، ۹ و ۱۲ آموزش و پرورش شهر تهران مشغول به تحصیل بودند. از این تعداد ۶۱ نفر به دلایل غیبت در روز اجرای آزمون، داشتن نقایص دیگر حسی، حرکتی که نتایج آزمون را مخدوش می‌ساخت، عدم همکاری دو دبیرستان برای در اختیار گذاشتن دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی خود و ممکن نبودن دسترسی به مادران دانش‌آموزان شهرستانی ساکن خوابگاه ویژه ناشنوایان، از حجم نمونه اولیه حذف شدند. در نتیجه حجم نمونه برای اجرای آزمون عزت نفس کوپراسمیت بر روی این دانش‌آموزان به ۱۱۸ نفر تقلیل یافت. در خصوص نمونه‌گیری دانش‌آموزان دختر شنوا، برای کنترل عوامل فرهنگی و اقتصادی، از مناطق آموزش و پرورش ۲، ۴، ۹ و ۱۲ شهر تهران که مدارس ویژه ناشنوایان در آن قرار داشت، به صورت هدف‌مند مدارس انتخاب شد که از لحاظ مکانی در نزدیکی مدارس ویژه ناشنوایان قرار داشتند. سپس به صورت تصادفی از هر مدرسه در مقطع متوسطه یک کلاس به صورت نمونه انتخاب شد که تعداد این دانش‌آموزان ۱۱۵ نفر شمارش شد. مادران هر دو گروه از دانش‌آموزان یاد شده نیز جزء نمونه آماری این پژوهش بودند.

ابزار

- (۱) آزمون عزت نفس کوپراسمیت
- (۲) آزمون شیوه‌های فرزندپروری بامریند

آزمون عزت نفس کوپراسمیت: این آزمون ۵۸ ماده دارد که ۸ ماده آن دروغ‌سنج است. دامنه پاسخهای آزمودنی به صورت بله، خیر است که هر فرد متناسب با وضعیت خود یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کند. بدیهی است حداقل نمره‌ای که هر فرد ممکن است کسب کند، صفر و حداکثر آن ۵۰ خواهد بود. در این آزمون، با توجه به نمره کسب‌شده هر فرد، سطح عزت نفس وی تعیین می‌شود. این آزمون از روایی و پایایی بالایی برخوردار است. روایی این آزمون بدین معنی که ماده‌های موجود در آن، مفهوم عزت نفس فرد را می‌سنجد، مورد تأیید استادان رشته‌های روان‌سنجی، آمار و روش تحقیق بود (اکبری ارزومان ۱۳۷۲؛ به نقل از نبوی، ۱۳۷۵). اما در گروه ناشنویان به دلیل داشتن محدودیتهایی در درک زبان شفاهی، محقق روایی محتوایی این آزمون را در خصوص کاربرد آن برای ارزیابی عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا از چندتن از استادان و متخصصان رشته‌های کودکان استثنایی، شنوایی‌شناسی و گفتاردرمانی (آسیب‌شناسی گفتار و زبان) جویا شد و آنان تأیید کردند که محتوای سؤالات این آزمون به شرط تفهیم آن با زبان اشاره، می‌تواند عزت نفس ناشنویان را اندازه بگیرد، اما باید خاطر نشان کرد که از آنجا که این بررسی به صورت کمی صورت نگرفته باید در تحلیل و نتیجه‌گیری آن، احتیاط لازم صورت گیرد.

برای تعیین پایایی این آزمون، پورشافعی (۱۳۷۱) آن را بر روی یک گروه ۳۰ نفره اجرا کرد و پس از دو نیمه کردن (زوج - فرد) ضریب پایایی ۰/۸۳ را به‌دست آورد. گلبرگی (۱۳۷۳) از طریق بازآزمایی بر روی ۱۸۰ نفر، ضریب پایایی ۰/۸۰ را به‌دست آورد.

محقق نیز پایایی آزمون عزت نفس کوپراسمیت را برای ارزیابی عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا، مورد بررسی قرار داد که پس از اجرای این آزمون، با زبان اشاره بر روی یک گروه ۳۰ نفره از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی ناشنوا، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ محاسبه شد.

آزمون شیوه‌های فرزندپروری بامریند: بامریند (۱۹۷۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱) برای تحقیقات خود پرسشنامه‌ای را طراحی کرد که به نام خود او معروف شد، این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است. در مقابل هر سؤال ۵ گزینه با عناوین «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «تقریباً مخالفم» و «مخالفم» قرار دارد که به ترتیب از صفر تا چهار،

نمره‌گذاری می‌شود. از جمع سؤالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می‌آید. برای هر والد، شیوه‌ای که بیشترین نمره را به خود اختصاص دهد، به مثابه شیوه فرزندپروری آن والد در نظر گرفته می‌شود. (به نقل از کرد نوقابی، ۱۳۷۸)

ضریب روایی و پایایی این آزمون در پرسشهای مختلف در حد بسیار مقبولی نشان داده شده است.

در پژوهشی که اسفندیاری (۱۳۷۴) انجام داد تا امکان تغییر شیوه‌های فرزندپروری والدین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری را بررسی کند، از چند تن از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی درخواست کرد تا میزان روایی هر جمله از پرسشنامه را مشخص کنند. نتیجه حاصل نشان داد که این پرسشنامه دارای روایی محتوایی است. همچنین وی میزان پایایی این آزمون را در شیوه مقتدرانه ۰/۷۳، در شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و در شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹ محاسبه کرد. (به نقل از میرزایی، ۱۳۸۴).

نحوه اجرای پرسشنامه‌ها:

در اجرای پرسشنامه عزت نفس، برای هر دو گروه دانش‌آموزان ناشنوا، محقق عبارات آزمون را یک به یک با زبان اشاره به آنها تفهیم کرد. چون تعداد دانش‌آموزان ناشنوا در هر کلاس بین ۴-۶ نفر بود، امکان نظارت تنگاتنگ محقق بر اجرای آزمون وجود داشت و سعی شد مصادیقی که در صورت نیاز برای تفهیم و توضیح عبارتی به کار گرفته می‌شد، در همه کلاسها و برای همه دانش‌آموزان یکسان باشد.

برای اجرای پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری، در هر دو گروه نمونه تلاش زیادی انجام گرفت، اما عدم همکاری اولیای مدارس و همچنین اولیای دانش‌آموزان، محقق را ناگزیر کرد تا پرسشنامه مذکور را از طریق دانش‌آموزان برای مادرانشان ارسال و پس از تکمیل، جمع‌آوری کند.

از ۱۱۸ پرسشنامه فرستاده‌شده برای مادران دانش‌آموزان ناشنوا، ۶۹ پرسشنامه و از ۱۱۵ پرسشنامه فرستاده‌شده برای مادران دانش‌آموزان شنوا، ۸۲ پرسشنامه تکمیل و به محقق بازگردانده شد. در نهایت تعداد این پرسشنامه‌ها نسبت به پرسشنامه‌های عزت‌نفس دانش‌آموزان در هر دو گروه ناشنوا و شنوا با ریزش نسبی مواجه شد که البته این مسئله تا حد زیادی طبیعی به نظر می‌رسید.

اما برای استفاده از آزمونهای آماری برای پی‌بردن به رابطه بین متغیرها و تبیین فرضیات پژوهش، محقق ناگزیر شد تا پرسشنامه‌های عزت نفس دانش‌آموزانی را مورد بررسی قرار دهد که پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری مادران آنها نیز موجود باشد. لذا از ۱۱۸ پرسشنامه تکمیل‌شده عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا، ۶۹ پرسشنامه و از ۱۱۵ پرسشنامه تکمیل‌شده عزت نفس دانش‌آموزان شنوا، ۸۲ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها

الف- یافته‌های توصیفی

جدول ۳ - توزیع فراوانی و درصد دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا به تفکیک سن آنها

گروهها	شاخصهای آماری	۱۵-۱۶	۱۷-۱۸	۱۹-۲۰	۲۱-۲۲	تعداد کل
شنوا	فراوانی (درصد)	۳۸ (.۴۶/۳۴)	۳۳ (.۴۰/۲۴)	۱۱ (.۱۳/۴۱)	♦ ♦	۸۲ (.۵۴/۳)
ناشنوا	فراوانی (درصد)	۱۰ (.۱۴/۴۹)	۳۱ (.۴۴/۹۲)	۲۰ (.۲۸/۹۸)	۸ (.۱۱/۵۹)	۶۹ (.۴۵/۷)

جدول ۴ - توزیع فراوانی و درصد میزان عزت نفس دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

گروهها	شاخصهای آماری	عزت نفس بالا	عزت نفس پایین
دانش‌آموزان شنوا	فراوانی (درصد)	۵۵ (.۶۷/۱)	۲۷ (.۳۲/۹)
دانش‌آموزان ناشنوا	فراوانی درصد	۲۹ (.۴۲)	۴۰ (.۵۸)

جدول ۵- توزیع فراوانی و درصد شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

گروهها	شاخصهای آماری	اقتداری	استبدادی	سهل گیرانه
دانش‌آموزان شنوا	فراوانی	۷۶	۳	۳
	درصد	(/۹۲/۷)	(/۳/۷)	(/۳/۷)
دانش‌آموزان ناشنوا	فراوانی	۵۹	۶	۴
	درصد	(/۸۵/۵)	(/۸/۷)	(/۵/۸)

جدول ۶- توزیع فراوانی و درصد میزان تحصیلات مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

میزان تحصیلات	شاخصهای آماری	شنوا	ناشنوا
زیر دیپلم	فراوانی	۴۸	۵۷
	درصد	(/۵۸/۵)	(/۸۲/۶)
دیپلم و بالای دیپلم	فراوانی	۳۴	۱۲
	درصد	(/۴۱/۵)	(/۱۷/۴)

ب) یافته‌های مربوط به فرضیات پژوهش:

فرضیه اول: "بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا تفاوت وجود دارد."

جدول ۷- t- محاسبه شده برای مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

شیوه‌ها	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
اقتداری	شنوا	۸۲	۴۳/۵۸	۳/۳۶	۱۴۹	۱/۳۹	۰/۱۶
	ناشنوا	۶۹	۴۲/۶۵	۴/۸۵			
استبدادی	شنوا	۸۲	۲۵/۷۴	۵/۲۲	۱۴۹	۰/۲۲	۰/۹۸
	ناشنوا	۶۹	۲۵/۷۲	۵/۵۰			
سهل گیرانه	شنوا	۸۲	۲۶/۹۱	۵/۲۳	۱۴۹	۰/۱۰	۰/۹۱
	ناشنوا	۶۹	۲۷	۴/۲۷			

$P < 0/01$

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت، شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا با یکدیگر تفاوت ندارد. با توجه به میانگینهای گزارش‌شده در جدول، مشخص می‌شود که بیشتر مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا شیوه تربیتی خود را اقتداری گزارش کرده‌اند. فرضیه دوم: "بین عزت نفس دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا تفاوت وجود دارد."

جدول ۸ - t محاسبه شده برای مقایسه عزت نفس دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t محاسبه شده	سطح معناداری
شنوا	۸۲	۳۷/۰۶	۷/۴۱	۱۴۹	۵/۵۷	۰/۰۰۱
ناشنوا	۶۹	۳۳/۴۲	۴/۴۰			

$P < 0/01$

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت، عزت نفس دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا با یکدیگر تفاوت دارد. به این معنا که عزت نفس دانش‌آموزان شنوا از دانش‌آموزان ناشنوا بیشتر است. فرضیه سوم: "بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا و عزت نفس فرزندان آنها رابطه وجود دارد."

جدول ۹ - همبستگی محاسبه‌شده میان شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا

استبدادی	همبستگی پیرسون سطح معناداری	-۰/۲۲ ۰/۰۶
سهل‌گیرانه	همبستگی پیرسون سطح معناداری	-۰/۱۰ ۰/۳۷
اقتداری	همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰/۴۵ ۰/۰۱

$P < 0/05$

همان‌گونه که در جدول ۹ ملاحظه می‌شود، مقدار همبستگی محاسبه شده میان دو شیوه فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه مادران و عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا از

نظر آماری معنادار نیست اما با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میان شیوه فرزندپروری اقتداری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا رابطه مثبت وجود دارد.

جدول ۱۰- همبستگی محاسبه‌شده میان شیوه‌های فرزندپروری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان شنوا

استبدادی	همبستگی پیرسون سطح معناداری	-۰/۱۳ ۰/۲۱
سهل‌گیرانه	همبستگی پیرسون سطح معناداری	-۰/۱۲
اقتداری	همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰/۵۲ ۰/۰۱

$P < 0/01$

همان‌گونه که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود، مقدار همبستگی محاسبه‌شده میان دو شیوه فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه مادران و عزت نفس دانش‌آموزان شنوا از نظر آماری معنادار نیست، اما با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میان شیوه فرزندپروری اقتداری مادران و عزت نفس دانش‌آموزان شنوا رابطه مثبت وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه ۱) بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد. نتایج آزمون این فرضیه نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا با یکدیگر تفاوت ندارد و هر دو گروه از مادران یادشده در تعاملات خود با فرزندانشان بیشتر از شیوه مقتدرانه سود می‌جویند. نتایج تحقیقات ون‌الدیک و همکاران (۲۰۰۴)، حاکی از آن است که تعاملات مادر با فرزند ناشنوا خود، به دو شکل متفاوت حمایت شدید و افراطی و یا طرد و غفلت از اوست. همچنین هانت و مارشال (۱۹۹۹) معتقدند که والدین نوجوانان ناشنوا در تعامل با آنها تسلط و قدرت بیشتری از خود نشان می‌دهند و یا شل‌زینگر و میدو(بی‌تا) تأکید دارند که مادران دارای فرزند ناشنوا در مقایسه با مادران دارای فرزند شنوا، کنترل بیشتری بر فرزند خود اعمال می‌کنند (کشاورزی ارشدی، ۱۳۸۴). اما نتایج این تحقیق حاکی از آن است که آنها نیز در تعامل با فرزند ناشنوا خود، بیشتر از شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت به نظر می‌آید که مادران ناشنوایان، در طی سالهایی که با فرزند خود تعامل داشته‌اند، به تجربه دریافته‌اند که حمایت‌های افراطی، طرد فرزند و یا غفلت و بی‌توجهی نسبت به او، آثار مخربی را بر آنها خواهد گذاشت؛ به‌طوری که یا این فرزندان به شدت وابسته به مادر و یا منزوی می‌شوند و از ارتباط با والدین، دیگر اعضای خانواده و دوستان و همسالان کناره می‌گیرند. از آنجا که این مادران اغلب نگران آینده فرزند ناشنوای خود، رشد اجتماعی، استقلال و خودکفایی او هستند، دریافته‌اند با استفاده از شیوه تربیتی مقتدرانه استقلال، خوداتکایی، خود رهبری و مسئولیت‌پذیری بیشتری را به فرزندان خود هدیه می‌کنند و از این طریق بهتر می‌توانند آنها را برای زندگی مستقل و با نشاط آماده سازند.

البته ناگفته نماند که برگزاری کلاسهای آموزش خانواده و جلسات مشاوره در مدارس و کلینیکهای مشاوره و توانبخشی، آموزشهای رسانه‌ای و همچنین پیشرفت تجهیزات و وسایل کمک‌کننده به ناشنوایان نیز در بهره‌گیری بیشتر مادران دارای فرزند ناشنوا از اثربخش‌ترین شیوه فرزندپروری (شیوه مقتدرانه) مؤثر است و از نگرانیهای مادران نسبت به آینده فرزندانشان کاسته است.

فرضیه ۲) بین عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا تفاوت وجود دارد. نتایج آزمون این فرضیه نشان داد که عزت نفس دو گروه نمونه از دانش‌آموزان با یکدیگر متفاوت است؛ به این معنا که عزت نفس دانش‌آموزان ناشنوا کمتر از عزت نفس دانش‌آموزان شنواست. این نتایج با نتایج تحقیقات کوئل و کانوی (۱۹۸۲)، کاپلی و همکاران (۱۹۹۵) و پادلاس (۱۹۹۶) همسو است. اما مورس (۱۹۹۵) در تحقیق خود عزت نفس ناشنوایان را در حد افراد شنوا ارزیابی کرد. در تبیین نتایج متناقض تحقیقات یادشده، می‌توان به این نکته اشاره کرد که تفاوت‌های جنسیتی، سنی و محیطی همچنین نوع آزمونهای به‌کاررفته برای سنجش عزت نفس دانش‌آموزان، می‌تواند سبب این تفاوتها شده باشد. آنچه مسلم است در افراد ناشنوا، محدود بودن ارتباطات اجتماعی آنان، دیدگاهها و قضاوت‌های نادرست افراد جامعه، ناکامیهای تجربه شده ناشنوایان در موقعیتهای مختلف خانوادگی، تحصیلی، شغلی، تعاملات آنها با والدین، معلمان، دوستان، آشنایان، پسخوراندی که معمولاً به‌صورت منفی از آنها دریافت می‌کنند و گاه تصور نادرستی که از ارتباط با افراد شنوا دارند، می‌تواند از عواملی باشد که بر کاهش

عزت نفس آنها مؤثر است که بالتبع می‌تواند بر جنبه‌های مختلف زندگی آنان تأثیرات منفی بگذارد.

فرضیه ۳) بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا و میزان عزت نفس فرزندان آنها، رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا و عزت نفس فرزندان آنها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ به این معنا که هر قدر شیوه فرزندپروری مادران هر دو گروه نمونه مقتدرانه‌تر باشد، عزت نفس فرزندان آنها نیز بیشتر خواهد بود.

همچنین نتایج نشان داد که در هر دو گروه نمونه، بین دو شیوه فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه مادران با عزت نفس فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد.

این نتایج با نتایج تحقیقات فلیگر و واسونی (۲۰۰۶)، آنولا (۲۰۰۰)، هرز و همکاران (۱۹۹۹)، هافمن و شیف (۱۹۹۳) در خصوص شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادران و رابطه آن با عزت نفس فرزندان همسو است. در تبیین فرضیه سوم، باید گفت ویژگی‌های والدین در سه شیوه مختلف فرزندپروری و نوع تعاملی که بین آنها و فرزندان آنها است، نشان می‌دهد که چگونه شیوه فرزندپروری مقتدرانه، می‌تواند سبب افزایش عزت نفس در فرزندان شود.

خصوصیات اصلی والدین مقتدر شامل مشارکت و علاقه فراوان آنها به زندگی فرزندان، برقراری ارتباط صمیمانه با آنها، داشتن اطمینان و اعتماد به آنان و تصمیم‌گیریهایشان و تشویق و ارتقای استقلال روانی آنهاست. (باربر، ۱۹۹۶)

آنان فرزندان خود را تشویق می‌کنند که علایق، ارزشها و استعدادها را دنبال کنند و خود نیز به نیازها و تواناییهای فرزندان توجه دارند. (باربر و بین، ۲۰۰۲)

والدین مستبد، رفتار فرزندان را با قوانین محکم و انعطاف ناپذیری کنترل می‌کنند و برای اصلاح رفتار آنان به زور و تهدید متوسل می‌شوند. تصمیمات آنها بی‌چون و چراست و فقط از حفظ قانون و اطاعت از آن صحبت می‌کنند. (کاپلان، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۱)

والدین سهل‌گیر از فرزندان خود حمایت فوق‌العاده‌ای می‌کنند و برای آنان

محدودیت و نظم و انضباط خاصی را تعیین نمی‌کنند و از مقابله با فرزندان اجتناب می‌کنند (بامریند، ۱۹۹۱)

از آنچه گفته شد، درمی‌یابیم که عزت نفس در کودکان و نوجوانانی به بهترین شکل رشد می‌کند که ارتباط آنها با والدینشان به گونه‌ای باشد که به آنها اجازه تصمیم‌گیری و فعالیتهای مستقل داده شود و رفتارهای مسئولانه فرزندان تشویق شود. در این خصوص تفاوتی میان شنوایان و ناشنوایان وجود ندارد. در ناشنوایان نیز عزت نفس در ابتدا در بستر خانواده شکل می‌گیرد و از همان الگوها متابعت می‌کند. بدون تردید، ناشنوایانی که از عزت نفس رشد یافته‌ای برخوردار باشند، در زندگی اهداف بالاتری را برای خود انتخاب می‌کنند، خودکفاتر، مولدتر و سازنده تر هستند. اضطراب و فشار روانی کمتری را تجربه می‌کنند، به شکست و انتقاد، کمتر حساسیت نشان می‌دهند و کمتر از احساس درماندگی رنج می‌برند. آنان تمایل بیشتری به مواجهه با مشکلات دارند و بر نقاط قوت خویش تأکید می‌کنند؛ لذا نسبت به خود و توانمندیهای خود، نگرش مثبتی دارند؛ همین امر سبب می‌شود تا از اجتماع کناره‌گیری نکنند و به موفقیت‌های شغلی و تحصیلی بیشتری دست یابند؛ انگیزش بیرونی آنان به سوی انگیزش درونی تغییر کند و احساس خودارزشمندی و خوداتکایی کنند که برای یک فرد ناشنوا، بسیار مهم و حیاتی و ضامن استقلال، ثبات عاطفی و رشد همه جانبه اوست.

با توجه به نتایج این تحقیق، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- ۱- انجام این پژوهش در سایر گروه‌های سنی ناشنوایان.
- ۲- انجام این پژوهش در پسران و مقایسه آن با نتایج پژوهش حاضر.
- ۳- دادن آموزش‌های لازم به اولیای مدارس و والدین (خصوصاً والدین دانش‌آموزان ناشنوا) برای تعامل بهتر و سازنده‌تر با آنها.
- ۴- دادن آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان، خصوصاً دانش‌آموزان ناشنوا، برای افزایش عزت نفس و احساس خودارزشمندی آنها.

یادداشتها

- | | |
|---------------|------------------|
| 1) Demanding | 2) Accepting |
| 3) Responsive | 4) Autoritative |
| 5) Democratic | 6) Authoritarian |

- | | |
|----------------------|---------------|
| 7) Permissive | 8) Uninvolved |
| 9) Brophy | 10) Hart |
| 11) Dewolf | 12) Burts |
| 13) Forman | 14) Kochanska |
| 15) Loeb & Sarigiani | 16) mores |

منابع

- آقاجری، زهره (۱۳۷۴). بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر عزت‌نفس و سازگاری فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء(س).
- اسلام‌دوست، ثریا (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر نابینا و ناشنوای دبیرستانهای نرجس و نیمروز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی
- برجعلی، احمد (۱۳۷۸). تأثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی-اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، پایان‌نامه دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۰). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- تامپسون، چارلز. (۱۳۸۴). مشاوره با کودکان، ترجمه جواد طهوریان. تهران: انتشارات رشد.
- صدرالسادات، سیدجلال (۱۳۸۰). عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی و توانبخشی.
- کاپلان، پاول اس. (۱۳۸۱). سفر پرماجرایی کودک، ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کرد نوقایی، رسول (۱۳۷۸). روابط بین سبک‌های شناختی وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه دانش‌آموزان و شیوه‌های تربیتی مورد استفاده والدین آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

کشاورزی ارشدی، فرناز؛ تجلی، پریسا (۱۳۸۴). روان‌شناسی آموزشی ناسنویان. تهران: انتشارات شرح.

کلمز، هریس و همکاران (۱۳۸۳). روشهای تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه پروین علیپور. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

گال، مردیت؛ بروگ، والتر؛ گال، جويس (۱۳۸۲). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مترجمان احمدرضا نصر و دیگران. تهران: انتشارات سمت.

محرابی، شهربانو (۱۳۸۳). مقایسه میزان اختلالات روانی دختران نوجوان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین در دبیرستانهای شهرستان جیرفت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

مختار بختیار، زهره (۱۳۷۹). بررسی تفاوت رشد اجتماعی دانش‌آموزان شنوا و ناشنواي پسر ۱۰-۷ ساله مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

میرزایی، لیلا (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با رشد شناختی کودکان ۹-۷ ساله با تاکید بر خلاقیت دقت و حل مسئله، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

نبوی، سید صادق (۱۳۷۵). بررسی ارتباط عزت نفس و اضطراب امتحان در دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستانهای نمونه و عادی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

Alizade , H & Andries , C. (2002). Interaction of Parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child & Family Behaviour Therapy*, 24, 37-52.

Aunola , K. Statin & H, Nurmi , J. (2000). Parenting style and achievement strategies. *Journal Adolescence*, 23, 200-222.

- Barber , B.K.(1996). Parental control: Revising a neglectful construct. *Child Development*. 67, 3296-3319.
- Barber, B.K.& Bean, R.L.& Erickson, L.D (2002). *Expanding the Study and Understanding of Psychological Control* . Haworth press.
- Baumrind , D.(1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence* , 11 , 56-95.
- Berk , L.e. (2000) , *Child Developments*. Fifth edition, Cole Publishing Company.
- Berns , Roberta M. (2006). *Child Family , School , Community*. Belmont Publisher U.S.A.
- Darling , N. (1999), *Parenting Style and its Correlates: Genetics , Social & General Psychology Monographs*. 125 , Issue 3 , 269-297.
- Goldberg , H. & Goldberg , T. (2000), *Counseling Today's Family*. (Third ed). Brooks / Cole Publishing Co.
- Hunt , N & marshal, K.(1994). *Exceptional Children and Youth*. Houghton Mifflin Company.
- Fliger , J, C. & Vazsonyi , A. T. (2006) Parenting process and dating violence. *Journal of adolescence* : 29, Issue 4 , 495-512.
- Hunter, T.(2006). *Hearing impairment*. Retrieved from:
<http://www.kidshealth.org/kid/health problems / slight/hearing-impairment.html>
- Mac, A, Jouhn D.(2004).*Self-Esteem*. Retrieved from:
<http://www.maces.ucsf.edu/Research/psychological>
- Pudlas, K.A.(1996). Self –Esteem and self – Confidence. Retrieved from:
www.eric.ed.gov/eric veb portal